



The Study of the Way of Meaning Exchange in Shaqshaqiya Sermon of Nahj al-Balagha within Halliday's Systemic Functional Linguistics (SFL) (2014)

Reza Mohammadi *  Assistant Professor in Arabic Language and Literature, Valiasr University, Rafsanjan, Iran

Hossein Bazoubandi  Assistant Professor in Linguistics and Translation Studies, Valiasr University, Rafsanjan, Iran

Abstract


Undoubtedly, the use of modern linguistic theories for the analysis of religious texts can pave the way for a better understanding of such texts. Among the new theories, which today have a special place and wide application in text analysis and other linguistic areas, is Systemic Functional Grammar (SFG) of Halliday and Matthiessen (2014). According to this theory, the structure of language is influenced by the functions that language plays in the communication context and in the outside world, and this effect is manifested in the form of three broad metafunctions: ideational, interpersonal and textual. Since the emphasis of interpersonal metafunction is on the way of exchanging meaning between the speaker and the audience, its application in the analysis of religious texts, while making a better understanding of such texts, can be an appropriate benchmark for assessing the ability to generalize this theory. Therefore, using a descriptive-analytical method in terms of the Systemic Functional approach of Halliday and Matthiessen (2014), the present study aims to analyze one of the most famous sermons of Nahj al-Balagha, i.e. Shaqshaqiya Sermon. The main results of the research show that, despite the dominant frequency of indicative mood, Imam Ali (AS) throughout this sermon has somehow acted in the exchange and transfer of meaning as if both sides of the interaction engage in the construction of the text, thus avoiding any kind of one-sidedness and unilateral. Moreover, since the sermon has been delivered by the motive and the purpose of establishing the right of the caliphate by Commander of the Faithful Imam Ali, while at the same time, Imam does not use the Inshai terms for persuasion of the audience in addressing the audience in the sermon, the reason for this can be that Imam was so certain of his rightfulness and position as to the caliphate that he merely has used the indicative mood and he did not even need to use such terms to prove such a right.


Keywords: Metafunction, Systemic Functional Linguistics (SFL), Shaqshaqiya Sermon, Exchange of Meaning, Mood structure.

* Corresponding Author: : r.mohammadi@vru.ac.ir

How to Cite: Mohammadi, R., Bazoubandi, H. (2021). The Study of the Way of Meaning Exchange in Shaqshaqiya Sermon of Nahj al-Balagha within Halliday's Systemic Functional Linguistics (SFL) (2014). *Language Science*, 8 (13), 115-149. Doi: 10.22054/ls.2019.38440.1171

بررسی شیوه تبادل معنا در خطبه ششقیه نهج البلاغه بر مبنای رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی (۲۰۱۴)

رضا محمدی*  استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه ولی‌عصر (عج)، رفسنجان، ایران

حسین بازوبندی  استادیار گروه زبان‌شناسی و مطالعات ترجمه، دانشگاه ولی‌عصر (عج)، رفسنجان، ایران

چکیده

از جمله نظریه‌های نوینی که امروزه جایگاهی ویژه و کاربرد وسیعی در تحلیل متن و دیگر حوزه‌های زبان‌شناختی پیدا کرده نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) است. بر اساس این رویکرد، ساختار زبان متأثر از نقش‌هایی است که زبان در بافت ارتباطی و در جهان خارج به عهده دارد و این تأثیر به شکل سه فرانش بازنمودی، متنی و بینافردی تجلی می‌یابد. از آنجا که فرانش بینافردی بر شیوه تبادل معنا بین گوینده و مخاطب استوار است، کاربردی آن در تحلیل متون دینی، ضمن ایجاد درک بهتر از چنین متونی، می‌تواند سنگ محک مناسبی برای ارزیابی قابلیت تعمیم این نظریه نیز فراهم سازد. نگارندگان در پژوهش حاضر، با روشی توصیفی-تحلیلی، به بررسی خطبه ششقیه با رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) در قالب فرانش بینافردی می‌پردازند. نتایج عمده پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم بسامد غالب وجه خبری، امام (ع) در سرتاسر این خطبه به نحوی در تبادل و انتقال معنا عمل کرده است که گویی هر دو سوی تعامل، با هم، در ساخت متن شرکت دارند و از این طریق، راه هرگونه یک‌سویگی تعامل را بسته است. خطبه ششقیه با انگیزه و هدف احقاق و اثبات حق خلافت از سوی امیرالمؤمنین (ع) ایراد شده است و در عین حال، امام در ایراد این خطبه، از لوازم انشا در جهت اقناع و استمالة مخاطب بهره نمی‌برند؛ دلیل چنین امری را می‌توان این دانست که ایشان آن‌چنان به حقانیت خود و جایگاه خود نسبت به خلافت یقین و باور داشته‌اند که از آن صرفاً خبر داده‌اند و اصلاً نیازی به استفاده از عبارات انشایی جهت اثبات چنین حقی احساس نکرده‌اند.

کلیدواژه‌ها: فرانش، دستور نقش‌گرای نظام‌مند، خطبه ششقیه، تبادل معنا، ساخت و جهی.

۱. مقدمه

بی تردید، به خدمت گرفتن نظریه‌های نوین زبان‌شناختی در جهت تحلیل و واکاوی متون دینی می‌تواند زمینه را برای درک بهتر چنین متونی برای مخاطب فراهم کند. از جمله نظریه‌های نوینی که امروزه جایگاهی ویژه و کاربردی وسیع در تحلیل متن و دیگر حوزه‌های زبان‌شناختی و آموزش زبان پیدا کرده نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن^۱ (۲۰۱۴) است. بر اساس رویکرد نقش‌گرا، نظام محتوایی تمام زبان‌ها در سه فرانش اندیشگانی^۲، بینافردی^۳ و متنی^۴ ارزیابی می‌شود که در کنار هم، درک عمیق‌تری از متن را برای خواننده فراهم می‌کنند (نادری و نادری، ۱۳۹۶: ۲۵). از آنجا که بن‌مایه اصلی و تمرکز اصلی این نظریه معطوف به معنا، نقش یا کاربرد زبان است، کاربردی آن در تحلیل متون دینی، ضمن ایجاد درک بهتر از چنین متونی، می‌تواند سنگ محک مناسبی برای ارزیابی و سنجش قابلیت تعمیم خود این نظریه فراهم سازد. از جمله متونی که درک بهتر آن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود، متن شریف *نهج‌البلاغه* است که حاوی خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار امیرالمؤمنین علی (ع) است. مسلماً بررسی کل این متن شریف نیاز به پژوهش‌های بسیار متعددی دارد؛ از این رو، پژوهش حاضر، به دلیل محدودیت حجمی، با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی یکی از معروف‌ترین خطبه‌های *نهج‌البلاغه*، یعنی خطبه ششقیه، با رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند^۵ هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) در قالب فرانش بینافردی می‌پردازد تا ضمن ایجاد درک بهتری از شیوه تبادل معنا و انتقال پیام برای مخاطب، قابلیت کاربردی و چالش‌های پیش روی آن را نیز ارزیابی کند. به بیان دیگر، پژوهش حاضر درصدد پاسخ به سؤالات ذیل است:

۱- نحوه نمود ساخت وجهی و شیوه تبادل معنا در بندهای خطبه ششقیه به چه صورتی

است؟

۲- انواع نقش‌های گفتاری به کاررفته در خطبه ششقیه کدام‌اند؟

۳- قابلیت تعمیم رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند از منظر فرانش بینافردی به متن این خطبه

شریف چگونه است و چه چالش‌هایی پیش روی این نظریه وجود دارد؟

1. Halliday, M. A. K., & Matthiesson, C. M. I. M.

2. ideational metafunction

3. interpersonal metafunction

4. textual metafunction

5. Systemic Functional Linguistics

از این رو، فرضیات ذیل به ترتیب برای سؤالات فوق مطرح می‌شود:

۱- در خطبه شقشقیه، بسته به موقعیت خاص و به اقتضای هدف امام (ع) از ایراد این خطبه، از تمام امکانات ساخت وجهی و مؤلفه‌های تشکیل دهنده بند، به طور متوازن، جهت تبادل معنا بهره گرفته شده است.

۲- در خطبه مزبور، امام (ع) در مقام تبادل و تعامل، بیشتر از کنش‌های مستقیم بهره برده است و در مواردی نیز به کنش‌های غیرمستقیم برای ایفای چنین نقشی توسل جسته است.

۳- توان نظری دستور نقش‌گرای نظام‌مند برای بازنمایی ساخت وجهی و شیوه تبادل معنا، در خطبه مزبور، تا حد زیادی قابل‌اعتنا ولی به دلیل اختلاف ساختاری دو زبان عربی و انگلیسی، دچار نقص‌هایی است.

این پژوهش، به جز مقدمه، از چند بخش عمده دیگر تشکیل شده است: در بخش دوم، به طور مختصر، به پیشینه پژوهش اشاره خواهد شد؛ بخش سوم به مفاهیم و مبانی نظری اختصاص دارد؛ بخش چهارم در راستای پاسخ به سؤالات پژوهش، به تجزیه و تحلیل داده‌های پیکره و همچنین، بحث درباره برخی از مسائل چالش‌برانگیز این بررسی معطوف است. در بخش آخر مقاله، به نتیجه‌گیری خواهیم پرداخت.

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون آثار متعددی، در حوزه‌های مختلف، در چهارچوب نظریه نقش‌گرای هلیدی انجام گرفته است که بی‌تردید، نقل همه آنها در این مجال نمی‌گنجد؛ از این رو، در این پژوهش، تنها به برخی از تازه‌ترین پژوهش‌ها در حوزه متون مذهبی، از جمله قرآن، انجیل و نهج‌البلاغه، می‌پردازیم.

حری (۱۳۸۸)، در پرتو فرانش متنی هلیدی، به کارکرد تصریف در دو سوره قرآنی ناظر به داستان آفرینش (سوره‌های حجر و ص) پرداخته است. در این مقاله، تصریف در بیان، به منزله گستره‌ای از علم معانی مطرح شده و ارتباط آن با زبان‌شناسی نقش‌گرای هلیدی مورد بررسی قرار گرفته است.

نظری (۱۳۸۹)، در رساله دکتری خود بر اساس فرانش متنی دستور نقش‌گرای هلیدی، به نقش عوامل انسجام متنی در خطبه‌های نهج‌البلاغه پرداخته است. در این تحقیق، عوامل مختلفی که به انسجام متن می‌انجامد، همچون هم‌آیی، تکرار، حذف، جایگزینی و ارجاع،

در خطبه‌های نهج‌البلاغه بررسی شده‌اند تا نحوه بهره‌گیری کلام امیرالمؤمنین (ع) از عوامل متعدد انسجام متنی، فراوانی و نسبت این عوامل به یکدیگر مشخص شود. طبق نتایج این تحلیل، ضمن درک ویژگی‌های کلام امام در نهج‌البلاغه در سطح کلان، می‌توان با سبک‌گفتاری ایشان نیز آشنا تر شد.

اثر دیگری که در زمینه متن قرآن و در چهارچوب دستور نقش‌گرای هلیدی انجام شده است پایان‌نامه کارشناسی ارشد باتمانی (۱۳۸۹) با عنوان «تحلیل سوره یاسین بر اساس نظریه سیستمی-نقشی هلیدی» است. در این تحقیق، سعی شده تا بندهای آیات سوره یاسین، از منظر اصول و مبانی نظریه نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که بر اساس فرانش بازنمودی، بیشترین فرایندها (۲۷/۱۶ درصد) از نوع بیانی است، و سایر فرایندها نیز، به ترتیب فراوانی، از نوع مادی (۲۳/۲۸ درصد)، رفتاری (۱۸/۹۶ درصد)، ذهنی (۱۶/۸۱ درصد) و رابطه‌ای (۱۳/۷۹ درصد) است. به لحاظ فرانش بینا فردی، وجه غالب در اکثر بندهای این سوره، بیشتر (۸۲/۳۲ درصد) از نوع خبری و بسامد سایر وجوه نیز به ترتیب از این قرار است: وجه امری ۷/۷۱ درصد، وجه پرسشی ۶/۰۹ درصد و وجه التزامی ۳/۸۸ درصد. از نظر زمان نیز، وقوع فرایند در ۵۵/۱۷ درصد از بندها در زمان حال ساده و در ۴۴/۸۳ درصد نیز در زمان گذشته بوده است. در زمینه قطبیت در بندها نیز نتایج حاکی از این است که به ترتیب ۷۹/۷۴ درصد از بندها مثبت و ۲۰/۲۶ درصد منفی هستند. از منظر فرانش متنی، ساختار مبتدا-خبری بیشتر بندها بی‌نشان گزارش شده است؛ ولی در برخی موارد، به اقتضای تأکیدات قرآنی، ساخت مبتدا-خبری نشان‌دار به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که ساخت ۹۶/۱۲ درصد از بندها بی‌نشان و ۳/۸۸ درصد نیز دارای ساخت نشان‌دار است. در تحلیل ساختارهای پیچیده نیز معلوم شده است که ۵۰ درصد از فرایندها بیانی و سایر فرایندها نیز، به ترتیب، از نوع مادی، رفتاری، ذهنی و رابطه‌ای هستند.

عبدی‌یاش (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، با استفاده از چهارچوبی تلفیقی، به تحلیل گفتمان خطبه‌های نهج‌البلاغه می‌پردازد. این پژوهش، با تحلیل گفتمان سخنان امام، عوامل اثربخش کلام ایشان را در ۴۰ خطبه از نهج‌البلاغه، مربوط به مسئله تبیین دنیا و روش برخورد صحیح با آن، مورد بررسی قرار داده و رابطه آن را با نوع مخاطب تبیین کرده است. نگارنده این پایان‌نامه، به منظور تحلیل گفتمان، رویکرد نقش‌گرا را با رویکردی دیگر تلفیق می‌کند. به دلیل اهمیت چنین نگاه تلفیقی، توضیح مختصری درباره آن ضروری به نظر

می‌رسد: در میان زبان‌شناسان عرب، عبدالهادی بن ظافر الشهري، در کتاب خود با نام *استراتیجیه الخطاب مقاربه تداولیه لغویه*، مقوله استراتژی گفتمان را مطرح می‌کند؛ سپس، با معرفی معیارهای سه‌گانه شکل‌گیری گفتمان که همان فرانش‌های سه‌گانه زبان از دیدگاه هلیدی (یعنی فرانش‌اندیشگانی، فرانش‌بینافردی و فرانش‌متنی) است، به طرح چهار استراتژی برای گفتمان می‌پردازد و این استراتژی‌ها را تجلی و انعکاس این فرانش‌ها بر متن می‌داند. این استراتژی‌ها عبارت‌اند از: استراتژی تضامنی، استراتژی توجیهی، استراتژی تلمیحی و استراتژی اقناع. این پژوهش سعی کرده است تا کارکرد و نمود هر یک از این فرانش‌های زبانی را در خطبه‌های *نهج‌البلاغه*، در قالب این استراتژی‌ها، بررسی کند.

کاریاوان^۱ (۲۰۱۱)، در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود، به تحلیل آغازگر در متن ترجمه سوره یوسف (از ترجمه عبدالله یوسف علی^۲ منتشرشده به سال ۲۰۰۸)، در چهارچوب نظریه نقش‌گرایی نظام‌مند، می‌پردازد. نتایج تحقیق حاکی از این است که کل ۱۱۱ آیه این سوره حاوی ۵۰۹ بند است که تعداد ۲۲۰ بند (۴۳/۲ درصد) متعلق به آغازگرهای متنی، ۲۰ بند (۳/۹ درصد) متعلق به آغازگرهای بینافردی و ۲۶۸ بند (۵۲/۸ درصد) فقط متعلق به بندهایی است که شامل آغازگرهای مبتدایی هستند.

حیتمی و میسوری^۳ (۲۰۱۲) نیز به تحلیل فرایندهای تمام بندهای جزء سی‌ام قرآن کریم، از منظر فرانش‌تجربی، می‌پردازند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جزء سی‌ام قرآن حاوی ۶۳۸ بند و در نتیجه، ۶۳۸ فرایند است: فرایند مادی ۳۴۶ عدد (۵۴/۲ درصد)، ذهنی ۱۱۱ (۱۷/۴ درصد)، رابطه‌ای ۱۳۴ (۲۱ درصد)، رفتاری ۵ (۰/۷۸ درصد)، بیانی ۳۵ (۵/۵ درصد) و فرایند وجودی ۱/۱۷ (۱/۱ درصد). فرایند مادی در این جزء غالب است چون نشانگر فعالیت‌ها یا رویدادهایی است که در جهان بیرون بشر رخ می‌دهد.

عرب زوزنی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای، به بررسی ساختار وجهی خطبه جهاد *نهج‌البلاغه* بر اساس فرانش‌بینا فردی نقش‌گرا پرداخته‌اند. براینده کلی این تحقیق این است که تقسیم‌بندی‌ها و مفاهیم موردنظر هلیدی، به‌نوعی، در این خطبه از *نهج‌البلاغه* نیز قابل تبیین است؛ هرچند در برخی موارد، روش بروز مفاهیم مد نظر در دو زبان کاملاً بر هم منطبق نیست. از جمله نتایج دیگر این تحقیق این است که نقش‌های موردانتظار از ساختار وجهی

1. Karyawan, N.

2. Abdullah Yusuf Ali

3. Haitami, U., & Meisuri, M.

عمدتاً از فعل برداشت می‌شود، ولی علاوه بر آن، برخی عناصر وجهی همچون «ل»، «قد» و «أن» برای بیان قطعیت پیام و عناصر دیگری، از جمله «ما»، «لم»، «لما» و «لا» برای بیان قطعیت منفی بند به کار برده می‌شوند.

محمدرضایی و سادات حسینی (۱۴۳۶ق.)، در مقاله‌ای تحت عنوان «بین الجرجانی و هلیدی فی التقديم و التأخیر و البنية النصیة»، به مقابله نظریه نظم عبدالقاهر جرجانی و فرانشس بنیادی هلیدی می‌پردازند و نقاط افتراق دو نظریه را در سه مورد خلاصه می‌کنند: نخست اینکه نظریه جرجانی، مانند نظریه هلیدی، اصطلاحات دقیق و تخصصی ندارد؛ دوم اینکه جرجانی به نقش آهنگ کلام اشاره نکرده است، در حالی که هلیدی به آهنگ افزایشی اعتقاد دارد و مورد سوم اینکه جرجانی، مانند هلیدی، روش نظام‌مندی را برای تحلیل و بررسی متون ارائه نکرده است.

نادری و نادری (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای، تحت عنوان «خوانش ساختار اندیشگانی و بینافردی اشعار فاروق جویده بر اساس رویکرد نقش‌گرای هلیدی»، به مطالعه و بررسی ۱۰ قصیده از این شاعر پرداخته‌اند. نتایج این مقاله حاکی از بسامد غالب وجه خبری بر دیگر وجه‌ها در قالب فرانشس بینافردی و همچنین، بسامد غالب فرایند مادی در قالب فرانشس اندیشگانی است.

۳. مبنای نظری پژوهش

یکی از سه دیدگاه کلان درباره زبان دیدگاهی است موسوم به نقش‌گرایی. در این دیدگاه، بر مقدم‌بودن نقش ارتباطی زبان و سرچشمه گرفتن نحو و صورت از آن تأکید می‌شود (دبیرمقدم، ۱۳۸۳: ۴۹). یکی از دیدگاه‌های نقش‌گرای میانه‌رو، دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی و متیسن (۲۰۱۴) است که برای توصیف زبان، به فرانشس‌های زبانی در متن می‌پردازد. از دیدگاه هلیدی، ساختار زبان متأثر از نقش‌هایی است که زبان در بافت ارتباطی و در جهان خارج به عهده دارد و این تأثیر به شکل سه فرانشس تجلی می‌یابد: فرانشس بازنمودی^۱، فرانشس متنی^۲ و فرانشس بینافردی (Halliday & Matthiesson, 2014: 30). از آنجا که مبنای نظری این تحقیق مبتنی بر فرانشس بینافردی است، در اینجا، صرفاً به معرفی این فرانشس خواهیم پرداخت.

1. representational meta-function
2. textual meta-function

۱-۳. فرانش بینافردي و نقش‌های گفتاری

در فرانش بینافردي، بند به‌مثابه «تبادل»^۱ تلقی می‌شود؛ به‌عبارتی، بند از تعامل گوینده یا نویسنده با مخاطب شکل می‌گیرد. در این تعامل، گوینده یا نویسنده و مخاطب هر یک نقش گفتاری^۲ خاصی را ایفا می‌کنند. برای مثال، در طرح یک سؤال، گوینده نقش فردي را دارد که به دنبال کسب اطلاعات است و شنونده نقش فردي را دارد که اطلاعات خواسته‌شده را باید گزارش دهد (Halliday & Matthiesson, 2014: 134-135). از این روی، می‌توان نقش‌های گفتاری را ذیل دو مقوله مطرح کرد: عرضه^۳ (ارائه) و تقاضا^۴ (دریافت کردن)؛ به همین دلیل، عمل گفتار را تعامل^۵ نیز می‌نامیم. در تعامل، حداقل دو فرد و یا بیشتر دخیل هستند و به موجب آن، اطلاعات یا کالا و خدمات^۶ بین آنها ردوبدل می‌شود. به‌عبارت‌دیگر، این فرانش به بررسی روابط بین گوینده و مخاطب و نحوه ایجاد ارتباط بین آنها می‌پردازد. از همین روی است که در این رویکرد، متن نیز بخشی از تبدالات بین گوینده و مخاطب محسوب می‌شود، حتی اگر به‌صورت تک‌گویی یک‌طرفه باشد؛ یعنی بیاناتی که مخاطب، به‌صورت صامت، به رسمیت بشناسد و اذعان کند (Halliday & Matthiesson, 2014: 45). نکته حائز اهمیت درباره نقش‌های گفتاری این است که در امر تعامل نویسنده یا گوینده، از چه سازوکارهایی برای رساندن مقصود اصلی خود به مخاطب بهره می‌گیرد. طبق توضیحات فوق، چهار وضعیت را می‌توان برای نقش‌های گفتاری متصور شد (Halliday & Matthiesson, 2014: 135-136): درخواست اطلاعات در قالب پرسش، ارائه اطلاعات در قالب خبر^۷، ارائه خدمات در قالب پیشنهاد^۸ و درخواست خدمات و کالا در قالب امر^۹.

1. exchange
2. speech functions
3. giving
4. demanding
5. interaction
6. goods & services
7. statement
8. offer
9. command

۲-۳. بند در فرانش بینافردي

از دیدگاه فرانش بینافردي، هر بند از دو بخش کلی تشکیل می‌شود: وجه^۱ و مانده^۲. وجه اصلی‌ترین عنصر بند در تبادل نقش اطلاعات است. شایان ذکر است که وجه، در این رویکرد، متفاوت با دیگر رویکردها تلقی می‌شود. آنچه در اینجا مهم است بُعد ارتباطی وجه است. خود عنصر وجه از فاعل^۳ (یک گروه اسمی) و زمان‌داری یا عنصر خودایستا^۴ (بخشی از گروه فعلی) تشکیل می‌شود. منظور از فاعل نقشی است که مسئول صدق و کذب گزاره است. این فاعل است که با توجه به گزاره از عهده کاری برمی‌آید یا بر نمی‌آید. در واقع، در اینجا، فاعل همان فاعل دستوری است که یکی از نقش‌های اصلی بند، یعنی مسئولیت‌پذیری بند در ساخت وجهی، را بر عهده دارد. زمان‌داری شامل سه عنصر مجزا از هم است: وجه‌نمایی^۵، زمان اولیه^۶ و قطبیت^۷. زمان اولیه در واقع ارجاع به زمان گوینده است و به ما نشان می‌دهد که زمان انجام گزاره کی بوده است (گذشته، حال، یا آینده). عنصر وجه‌نمایی ارجاع به قضاوت گوینده است؛ به عبارت دیگر، این عنصر نگرش گوینده نسبت به گزاره را بیان می‌کند. قطبیت به این معناست که آیا فاعل کاری را انجام داده است یا خیر؛ انتخاب بین گزاره مثبت و منفی است (Halliday & Matthiesson, 2014: 140-142). براین اساس، چارچوب نظری پیشنهادی ما در این پژوهش رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی خواهد بود که اساس آن را معنا تشکیل می‌دهد و بر نقش و کارکرد زبان تکیه می‌کند. این پژوهش با توسل جستن به چارچوبی نقش‌گرا، تحلیلی معنابنیاد و پویا را برای تحلیل نهج‌البلاغه ارائه می‌دهد؛ البته با توجه به گستردگی متن نهج‌البلاغه، پیکره پژوهش صرفاً به بررسی خطبه شمشقیه محدود می‌شود.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

نگارندگان سطور حاضر، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، با توجه به مبنای نظری و پیکره پژوهش، تمامی ۱۰۸ بند خطبه شمشقیه نهج‌البلاغه را از منظر فرانش بینافردي مورد

-
1. mood
 2. residue
 3. subject
 4. finite
 5. modality
 6. primary tense
 7. polarity

تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. باین حال، به دلیل محدودیت حجمی، صرفاً به ساخت وجهی برخی از بندهای خطبه مزبور در متن اشاره می‌شود. این نمونه‌ها به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که نشانگر شمای کلی ساخت وجهی خطبه مزبور باشند. لازم به ذکر است که ذیل همین بخش، علاوه بر بررسی نمونه‌های برجسته شکل‌دهنده ساخت وجهی خطبه، به بررسی نمونه‌هایی نیز پرداخته شده است که برای رویکرد نظری و قابلیت اعمال آن در متن نهج‌البلاغه چالش ایجاد می‌کنند. در این راستا، ساختار وجهی چندین نمونه اصلی از بندهای پیکره، با ذکر فاعل و زمان‌داری هر بند، در قالب جدول‌های معینی تعیین می‌شود و نقش گفتاری و وجه غالب هر بند نیز از میان وجوه خبری و انشایی تعیین می‌گردد. علاوه بر این، قطبیت هر بند و عناصر تشکیل‌دهنده مانده بند نیز مشخص می‌شود. جهت سهولت کار، ترجمه خود نگارندگان از هر بند ذیل آن ذکر شده است.

جدول ۱. ساخت بند انشایی مثبت در زمان گذشته

فاعل		وجه	مانده
فَلاَنٌ	وجه‌نمایی		
انشایی	وجه‌نمایی	لَقَدْ تَمَّصَّهَا فَلَانٌ: فلانی جامه خلافت را بر تن کرد.	محمول
مثبت	قطبیت		
گذشته	زمان		
	قَمَصَ		متمم
	ها		افزوده

«لام» حرف قسم و «قد» حرف تحقیق محسوب می‌شود که می‌توان هر دوی این حروف را افزوده وجهی و یا تفسیری قلمداد کرد. با توجه به اینکه در اول بند، حرف قسم آمده، طبق مبنای نظری پژوهش، با جمله‌ای غیرطلبی یا انفعالی دارای وجه انشایی روبه‌رو هستیم؛ اگرچه ظاهراً با خبر سروکار داریم. به عبارت دیگر، نقش گفتاری به کاررفته در این بند ارائه اطلاعات در قالب انشا و در مقام یک کنش گفتاری غیرمستقیم است. توضیح بیشتر درباره کنش‌های مستقیم و غیرمستقیم در ادامه بحث ارائه خواهد شد.

جدول ۲. ساخت بند خبری منفی در زمان حال

الطَّيْرُ		فاعل		وجه	وَلَا يَرْقِي إِلَى الطَّيْرِ: و مرغان اندیشه نمی‌توانند تا اوج ارزش من دست‌یابند.
خبری	وجه‌نمایی	زمان‌داری	زمان		
منفی	قطبیت			محمول	زمان
حال	زمان	محمول			
	رقعی	متمم			
	«یا» در «إِلَى»	افزوده	---		

«لا» بر قطبیت منفی دلالت دارد و جزء عنصر زمان‌داری محسوب می‌شود. لازم به ذکر است که برخلاف اصول حاکم بر مبنای نظری پژوهش، که حرف اضافه را نماینده افزوده حاشیه‌ای قلمداد می‌کنند، برخی از افعال در زبان عربی، به‌واسطه حروف اضافه، متمم می‌گیرند و افزوده محسوب نمی‌شوند. نمونه بارز آن در جدول بالا (فعل يَرْقِي إِلَى) مشهود است.

جدول ۳. ساخت بند خبری مثبت در زمان حال

ضمير مسترأنا		فاعل		وجه	أرنتی بین آن أصول بیدر جذاء أو أصبر علی طخیه عمیاء: می‌اندیشم که آیا به‌تنهایی شمشیر بکشم یا اینکه بر مصیبتی کور صبر پیشه سازم.
خبری	وجه‌نمایی	زمان‌داری	زمان		
مثبت	قطبیت			محمول	زمان
حال	زمان	محمول			
	رأی	متمم			
	... بین آن أصول بیدر جذاء أو أصبر	افزوده	---		

برخی از مترجمین (از جمله دشتی، شهیدی و جعفری) سهواً، به‌واسطه وجود حرف «أو»، عبارت مزبور را به‌صورت انشایی ترجمه کرده‌اند، ولی با در نظر داشتن ساختار زبان عربی و مفهوم این عبارت به‌واسطه احتمال دوگانه‌ای که در نظر و اندیشه امام (ع) وجود داشته، چنین برداشتی صحیح به نظر نمی‌آید. به‌علاوه، در برخی از ترجمه‌ها (ر.ک. ترجمه دشتی)، بند «بهرم فیها الکبیر» که صفت برای «طخیه» محسوب می‌شود، اساساً به‌عنوان صفت قلمداد

نشده است. همین نکته نیز می‌تواند دلیلی باشد بر اینکه بند مذکور در جدول ۳، بندی خبری است نه انشایی.

جدول ۴. ساخت بند خبری منفی در زمان گذشته

فاعل		وجه	مانده
وجه‌نمایی	زمان‌داری		
خبری	وجه‌نمایی	و ما أخذ الله على العلماء ألا يُقاروا على كظّة ظالم ولا سغب مظلوم و اگر خداوند از علما عهد و پیمان نگرفته بود که بر شکم پرستی ظالم و گرسنگی مظلوم صبر نکنند ...	مانده
منفی	قطبیت		
گذشته	زمان		
أخذ		محمول	مانده
ألا يُقاروا على كظّة ظالم ولا سغب مظلوم		متمم	
على العلماء		افزوده	

در بند مزبور، همان‌طور که در جدول نیز قید شده است، حرف نفی «ما»، قطبیت کلی بند را نشان می‌دهد. همچنین «لو لا» که قبل از بند مزبور آمده است («لو لا حضور الحاضر و قیام الحجّة بوجود الناصر و ما أخذ الله على العلماء ألا يُقاروا على كظّة ظالم ولا سغب مظلوم لألّقيت جملها على غاربها») حرف امتناع وجود است که بر سر بند اسمی (جمله اسمیه) و بند فعلی (جمله فعلیه) می‌آید و بدین معناست که وقوع خبر به‌خاطر وجود مبتدا ممتنع است؛ بنابراین، اگرچه در اینجا به‌طور کلی با بندی با ساختار نفی دوگانه^۱ سروکار داریم، ولی به‌خاطر وجود حرف امتناع وجود، معنای بند مثبت خواهد بود.

جدول ۵. ساخت بند خبری مثبت در زمان گذشته

فاعل		وجه	مانده
ضمیر بارز «ت»	وجه‌نمایی		
خبری	وجه‌نمایی	فسدلت دونها ثوباً: پس دامنم را از آن جمع کردم.	مانده
مثبت	قطبیت		
گذشته	زمان		
سَدَلْ		محمول	مانده
ثوباً		متمم	
دونها		افزوده	

1. Double negation

جدول ۶. ساخت بند انشایی مثبت در زمان حال از نوع قسم

ضمیر مستترأنا در فعل مقدر «أقسم»		فاعل		وجه	والله: به خدا سوگند یاد می‌کنم.
انشایی	وجه‌نمایی	زمان‌داری	وجه		
مثبت	قطبیت	زمان	محمول	مانده	
حال	زمان	محمول	متمم		
		افزوده	والله		
			افزوده		

جدول ۷. ساخت بند انشایی مثبت در زمان حال از نوع تعجب

ضمیر مستتر «أنا» در فعل مقدر «أتعجب»		فاعل		وجه	فيا عجباً بينا هو يستقبلها في حياته إذ عقدها لآخر بعد وفاته پس شگفتا (تعجب می‌کنم) او که در حیات خود می‌خواست از خلافت کناره‌گیری کند، هنگامی که اجلس فرارسید، آن را به عقد دیگری درآورد.
انشایی	وجه‌نمایی	زمان‌داری	وجه		
مثبت	قطبیت	زمان	محمول	مانده	
حال	زمان	محمول	متمم		
		افزوده	عجباً بينا هو يستقبلها في حياته إذ عقدها لآخر بعد وفاته		
			افزوده		

«فاء» در بند مزبور جزء افزوده‌های پیوندی است. نکته قابل‌بررسی در اینجا این است که کل بند «بينا هو يستقبلها في حياته إذ عقدها لآخر بعد وفاته» به‌عنوان متمم بند تعجیبی عمل می‌کند و در ادامه تحلیل، می‌توان «في حياته»، «إذ»، و «بعد وفاته» را نیز افزوده حاشیه‌ای قلمداد کرد. به‌علاوه، عنصر «لآخر»، اگرچه دارای حرف اضافه یا جر است، ولی در بند درون‌شده^۱ «إذ عقدها لآخر بعد وفاته»، نقش متمم را ایفا می‌کند.

1. Embedded clause

جدول ۸. ساخت بند انشایی مثبت در زمان گذشته از نوع استفهام

الرب		فاعل		وجه	متی إعترض الرب في مع الأول منهم: چه زمانی در مقایسه با اولین ایشان مورد تردید قرار گرفتیم.
انشایی	وجه‌نمایی	زمان‌داری	محمول		
مثبت	قطبیت				
گذشته	زمان				
عَرَضَ			متمم		
«ياء» در «فی»			افزوده		

در بند مزبور، «متی» پرسش‌واژه و افزودهٔ وجهی است که بندی با وجه انشایی استفهامی ایجاد می‌کند. همچنین، فعل «إعترض» به‌واسطهٔ حرف اضافهٔ «فی» متمم گرفته است. نمونه‌هایی دیگر از این دست در خطبهٔ شقشقیه عبارت‌اند از: افعال «مضی ل» در بند «حتی مضی الأول لسیله»، «دلی ب» در بند «فأدلی بها إلی فلان بعده»، «شقی ل» در بند «إن أشقی لها خرم»، «مئی ب» در بند «یمنی الناسُ بخیط» و «صغی ل» در بند «فصغی رجلٌ منهم لض» و...؛ این شواهد دلیلی هستند بر اینکه نمی‌توان حرف اضافه را همیشه نمایندهٔ افزودهٔ حاشیه‌ای قلمداد کرد. علاوه بر این، مواردی نیز در بندهای اسمی وجود دارند که در آنها نیز حرف اضافه، نمایانگر افزودهٔ حاشیه‌ای نیست، بلکه فقط به‌عنوان ادات تشبیه، جهت ایجاد همانندی و مشابهت بین خبر و مبتدا، به کار گرفته می‌شود، برای نمونه، می‌توان به حرف اضافه و تشبیه «کاف» در این بندها اشاره کرد: «فصاحبها کراکب الصعبة»، «والناسُ کعرف الضبع»، «مجتمعین یولی کربیضة الغنم».

جدول ۹. ساخت بند خبری مثبت فرازمانی

تلك شقشقة		فاعل		وجه	تلك شقشقة هدرت ثم قرت: آن آتشی بود که زبانه کشید سپس سرد شد.
خبری	وجه‌نمایی	زمان‌داری	محمول		
مثبت	قطبیت				
فرازمان	زمان				
هدرت/ قرت			متمم		
---			افزوده		

«ثم» جزء افزوده‌های پیوندی است. در جدول ۹، با یک بند اسمی سروکار داریم؛ این بند آخرین بند خطبه شقشقیه محسوب می‌شود که امام (ع) پس از سؤال ابن عباس که خواستار ادامه خطبه شده بود فرمودند. ابن عباس پس از شنیدن بند مزبور، با اظهار تأسف زایدالوصفی می‌گوید: «به خدا سوگند، هرگز بر هیچ گفتاری چنان افسوس نخوردم که بر این گفتار اندوه بردم که چرا امیرالمؤمنین نتوانست سخن را بدان جا رساند که می‌بایست». رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند در تحلیل جملات اسمیه، به دلیل وجودداشتن عنصر زمان‌دار صوری، مسکوت و ناتمام است. جمله اسمیه جمله‌ای است که از مبتدا و خبر تشکیل شده است و در اصل، برای این وضع شده که چیزی را برای چیز دیگر، بدون در نظر گرفتن حدوث آن، بیان کند. مانند «الارض متحرکه»، که از این جمله، اثبات حرکت برای زمین فهمیده می‌شود و توجهی به تجدد یا حدوث آن نیست. در علم بلاغت، مسئله زمان را برای جمله فعلیه اثبات می‌کنند و جمله اسمیه را خالی از دلالت بر زمان می‌دانند. از طرفی، برخی معتقدند زمان در این جملات با قرینه لفظی یا معنوی (حال و مقام) فهمیده می‌شود و می‌تواند بر هر سه زمان دلالت داشته باشد (اگرچه می‌توان گفت جملات اسمیه فاقد نواسخ صرفاً بر زمان حال دلالت می‌کنند و شرایط آنها با جمله اسمیه متفاوت است) (بازبندی، ۱۳۹۵: ۱۸۳). نگارندگان پژوهش حاضر، به پیروی از بازبندی (۱۳۹۵)، جهت جمع کردن این دو دیدگاه، از عنصری به نام «فرازمان» در این موارد بهره می‌گیرند که اختصاص به زمان خاصی نداشته باشد.

جدول ۱۰. ساخت بند خبری منفی فرازمانی

حضور الحاضر		فاعل		وجه	لو لا حضور الحاضر: اگر حاضران نبودند ...	
خبری	وجه‌نمایی	زمان‌داری	مانده			
مثبت	قطبیت					
فرا زمان	زمان					
موجود (مقدّر)		محمول	مانده			
---		متمم				
---		افزوده				

در مورد «لو لا» و ساختار نفی بند فوق، پیش‌تر، ذیل جدول ۴، توضیحات مربوط ارائه شد.

جدول ۱۱. ساخت بند خبری مثبت در زمان گذشته

فاعل		وجه	فرأيت أنّ الصبر على هاتا أحجى: پس فهمیدم که قطعاً صبر بر آن دو را خردمندانه‌تر است.
وجه‌نمایی	زمان‌داری		
خبری	وجه‌نمایی	مانده	
مثبت	قطبیت		
گذشته	زمان		
رأى		محمول	
أنّ الصبر على هاتا أحجى		متمم	
---		افزوده	

«أنّ» حرف ناصبه و افزوده پیوندی است که نقش پیوند ساختاری را بر عهده دارد. لازم به ذکر است که در بند مزبور، خود متمم «الصبر على هاتا أحجى» متشکل از یک بند اسمی است که ساخت و جهی آن نیز در زیر آمده است:

جدول ۱۲. ساخت بند خبری مثبت فرازمانی

فاعل		وجه	الصبر على هاتا أحجى: قطعاً صبر بر آن دو خردمندانه‌تر است.
وجه‌نمایی	زمان‌داری		
خبری	وجه‌نمایی	مانده	
مثبت	قطبیت		
فرازمان	زمان		
أحجى		محمول	
-----		متمم	
		افزوده	

نکته جالب توجه در بند مورد بحث در جدول ۱۲، نحوه تحلیل «على هاتا» است: با توجه به اسمی بودن این بند، «على هاتا» در این بند جزئی از عنصر وجه محسوب می‌شود، نه عنصر مانده.

جدول ۱۳. ساخت بند خبری/ انشایی مثبت دارای زمان حال

ضمیر مستتر «أنا» یا ضمیر بارز «واو» در فعل مقدر «أبتدی» فاعل / إبتهوا		وجه	زمان‌داری	أما: آگاه باشید
وجه‌نمایی	خبری/ انشایی			
قطبیت	مثبت	مانده	محمول	
زمان	حال			
بَدءَ / نَبءَ				
-----		متمم	افزوده	

از جمله مواردی که در آنها برای تحلیل ساخت وجهی بندهای زبان عربی با چالش روبه‌رو هستیم مواردی است که با ادات شروع یا تنبیه آغاز می‌شود. از جمله این ادات، «ألا» و «أما» هستند که معمولاً، بر اساس معنا، باید برای آنها فعلی را در تقدیر گرفت. همان‌طور که در تحلیل جدول ۱۳ مشخص شده است، بسته به اینکه فعل مقدر را از چه نوعی در نظر بگیریم، وجه بند، با توجه به فعل‌های مقدر، به ترتیب، بین خبری و انشایی متغیر است؛ اما این چالش صرفاً به چنین اداتی محدود نمی‌شود و ادات از نوع قسم، تعجب، ندبه و استغاثه را نیز دربرمی‌گیرد (پیش‌تر، در جدول ۶ و ۷، به نمونه‌هایی از این موارد دارای تقدیر اشاره شد؛ در ادامه، به نمونه‌هایی دیگر از این موارد پرداخته خواهد شد). نکته مهم این است که تحلیل فرانش بینافرادی برای بندهای دارای افعال مقدر از نوع وجه انشایی و خبری اساساً قائل به تحلیلی جامع و مجزا نیست و به‌علاوه، بعضاً برخورد یکسانی با چنین بندهایی می‌کند. طرح چنین سؤالی و پاسخ مناسب به آن در مورد تحلیل ساخت وجهی بندهای دارای انشای غیرطلبی (تعجب، قسم و غیره) و طلبی (استغاثه، ندبه و غیره) می‌تواند به دقت بحث مزبور کمک بسیاری کند.

جدول ۱۴. ساخت بند خبری مثبت دارای زمان گذشته

ضمیر مستتر «هو» در فعل مقدر «بَعَدَ»		فاعل		وجه	هیئات: خیلی دور است	
وجه‌نمایی	خبری	زمان‌داری	مانده			
قطبیت	مثبت					
زمان	گذشته					
بَعَدَ		محمول				
---		متمم				
---		افزوده				

جدول ۱۵. ساخت بند خبری مثبت دارای زمان گذشته

یومی		فاعل		وجه	شَتَّانَ ما یومی علی کورها: چقدر از هم متفاوتند آن دو روز من بر پشت شتر	
وجه‌نمایی	خبری	زمان‌داری	مانده			
قطبیت	مثبت					
زمان	گذشته					
بَعَدَ		محمول				
---		متمم				
علی کورها		افزوده				

در بندهای جدول ۱۵ و ۱۶، ادات «هیئات» و «شَتَّان» نیز دارای عناصری مقدر هستند با این تفاوت که فاعل «شَتَّان» به صورت اسم ظاهر آمده است و می‌توان چنین بندی را صرفاً در معنای انشا از نوع غیرطلبی نیز در نظر گرفت. «هیئات» اسم فعلی است که تقدیر آن، «بَعَدَ» به معنای «دور بود» است.

جدول ۱۶. ساخت بند انشایی مثبت دارای زمان حال

ضمیر مستتر «أنا» در فعل مقدر «أَسْتَعِثُ»		فاعل		وجه	فیالله و للشوری: برای این شورا از خدا یاری می‌جویم	
وجه‌نمایی	انشایی	زمان‌داری	مانده			
قطبیت	مثبت					
زمان	حال					
غاث		محمول				
الله		متمم				
للشوری		افزوده				

در بند «فِیَاللّٰه و لِلشُّورِی» که تقدیر آن، در واقع، بند «أنا أستغیث الله للشُّورِی» است، حرف ندای «یا» در معنای مجازی استغاثه به کار رفته است و حضرت امیر (ع) در این کلام از ندا برای یاری جستن از پروردگار در برابر گرفتاری‌ها و مصیبت‌هایی که از دور روزگار، به‌ویژه از شورای تعیین خلیفه، به وی رسیده بهره برده است؛ این استغاثه توأم با تألّم و دردمندی است (صباغ، ۱۳۹۵: ۳۷۳).

جدول ۱۷. ساخت بند انشایی مثبت در فرازمان از نوع قسم

ضمیر «هاء» در إنّ		فاعل		وجه	و إنّ لیعلم أنّ محلی منها محلّ القطب من الرّحی:
وجه‌نمایی	انشایی	زمان‌داری	زمان		
قطبیت <td>مثبت <td>زمان‌داری <td>فرا زمان <td rowspan="3">مانده</td> <td rowspan="3">به خدا سوگند، قطعاً او می‌دانست که جایگاه من نسبت به خلافت، همانند قطب وسط آسیاب نسبت به سنگ آسیاب است.</td> </td></td></td>	مثبت <td>زمان‌داری <td>فرا زمان <td rowspan="3">مانده</td> <td rowspan="3">به خدا سوگند، قطعاً او می‌دانست که جایگاه من نسبت به خلافت، همانند قطب وسط آسیاب نسبت به سنگ آسیاب است.</td> </td></td>	زمان‌داری <td>فرا زمان <td rowspan="3">مانده</td> <td rowspan="3">به خدا سوگند، قطعاً او می‌دانست که جایگاه من نسبت به خلافت، همانند قطب وسط آسیاب نسبت به سنگ آسیاب است.</td> </td>	فرا زمان <td rowspan="3">مانده</td> <td rowspan="3">به خدا سوگند، قطعاً او می‌دانست که جایگاه من نسبت به خلافت، همانند قطب وسط آسیاب نسبت به سنگ آسیاب است.</td>	مانده	به خدا سوگند، قطعاً او می‌دانست که جایگاه من نسبت به خلافت، همانند قطب وسط آسیاب نسبت به سنگ آسیاب است.
علم	محمول	محمول	محمول		
---	افزوده	متمم	افزوده		

بند فوق، با حرف مشبّهة بالفعل «إنّ» آغاز می‌شود؛ بنابراین، کلاً بندى اسمی و ظاهراً خبری است ولی از آنجایی که معطوف به جواب قسم است، وجه آن انشایی تلقی می‌شود. در اینجا، با ساختار بندى درونه‌شده مواجهیم؛ پس می‌توانیم بند اسمی «أَنَّ محلی منها محلّ القطب من الرّحی» را به‌عنوان متمم «علم» در نظر بگیریم و عناصر «منها» و «من الرّحی» را نیز افزوده حاشیه‌ای قلمداد کنیم.

جدول ۱۸. ساخت بند خبری مثبت در فرازمان

محلّی		فاعل		وجه	أَنَّ محلی منها محلّ القطب من الرّحی:
وجه‌نمایی	خبری	زمان‌داری	زمان		
قطبیت <td>مثبت <td>زمان‌داری <td>فرا زمان <td rowspan="3">مانده</td> <td rowspan="3">قطعاً جایگاه من نسبت به خلافت همانند قطب وسط آسیاب نسبت به سنگ آسیاب است.</td> </td></td></td>	مثبت <td>زمان‌داری <td>فرا زمان <td rowspan="3">مانده</td> <td rowspan="3">قطعاً جایگاه من نسبت به خلافت همانند قطب وسط آسیاب نسبت به سنگ آسیاب است.</td> </td></td>	زمان‌داری <td>فرا زمان <td rowspan="3">مانده</td> <td rowspan="3">قطعاً جایگاه من نسبت به خلافت همانند قطب وسط آسیاب نسبت به سنگ آسیاب است.</td> </td>	فرا زمان <td rowspan="3">مانده</td> <td rowspan="3">قطعاً جایگاه من نسبت به خلافت همانند قطب وسط آسیاب نسبت به سنگ آسیاب است.</td>	مانده	قطعاً جایگاه من نسبت به خلافت همانند قطب وسط آسیاب نسبت به سنگ آسیاب است.
---	محمول	محمول	محمول		
---	افزوده	متمم	افزوده		

در تحلیل جملات اسمیه (بندهای اسمی)، مانند بند فوق، فرض این است که مبتدا، در واقع، همان فاعل و محمول همان خبر در ساخت وجهی فرانش بینافرادی است (البته ناگفته پیداست که در جملات فعلیه‌ای که به عنوان خبر واقع می‌شوند، افزوده‌ها، متمم و فاعل جزئی از محمول به حساب نمی‌آیند). نمونه دیگری از این دست در خطبه شفشقیه، بند «ولکنهم حلیت الدنيا فی أعینهم» است که در آن، «هم» فاعل و بند فعلی «حلیت الدنيا فی أعینهم» خبر محسوب می‌شود.

بند جدول ۱۹ را می‌توان به دو صورت مورد بررسی قرار داد. در تحلیل اول، عبارت «و فی العین قذی و فی الحلق شجاً» به عنوان افزوده حاشیه‌ای فعل «صَبَرَ» محسوب می‌شود، چون نقش حال (قید حالت) دارد. بند «إِنْ قَامَ ثَالِثُ الْقَوْمِ نَافِجاً حِضْنِيهِ بَيْنَ نَثِيلِهِ وَ مُعْتَلَفِهِ» هم نمونه دیگری است که در آن، «نافجاً» قید حالت محسوب می‌شود.

جدول ۱۹. ساخت بند خبری مثبت در زمان گذشته

ت		فاعل		وجه	فصیرت و فی العین قذی و فی الحلق شجاً: صبر کردم درحالی که خار در چشم بود و استخوان در گلویم قرار داشت.
خبری	وجه‌نمایی	زمان‌داری	محمول		
مثبت	قطبیت				
گذشته	زمان				
صَبَرَ		متمم	افزوده		

و فی العین قذی و فی الحلق شجاً					

در تحلیلی دیگر، می‌توان این عبارت را مقدر دو بند اسمی در نظر گرفت: «فی العین قذی کائن» و «و فی الحلق شجاً کائن» که تحلیل آن در جدول‌های ۲۰ و ۲۱ آمده است:

جدول ۲۰. ساخت بند خبری مثبت فرازمانی

قذی / شجاً		فاعل		وجه	فی العین قذی: خار در چشم بود
خبری	وجه‌نمایی	زمان‌داری	محمول		
مثبت	قطبیت				
فرازمان	زمان				
کائن		متمم	افزوده		

فی العین / فی الحلق					

جدول ۲۱. ساخت بند خبری مثبت فرازمانی

ضمیر مستتر «أنا»		فاعل		وجه	أری ترائی نهبا: میراثم را غارت شده می‌بینم.
خبری	وجه‌نمایی	زمان‌داری	وجه		
مثبت	قطبیت			محمول	مانده
حال	زمان				
	رأی				
	نهبا/ترائی	متمم			
	---	افزوده			

در بند جدول ۲۱، فعل «أری» در زمرهٔ افعال قلوب محسوب می‌شود که دو مفعول می‌گیرد؛ بنابراین، در بند فوق، «ترائی» و «نهبا»، به ترتیب، مفعول اول و مفعول دوم هستند که در نظریهٔ مورد بحث، متمم اول و متمم دوم قلمداد می‌شوند. به دلیل نوع فعل، برداشتی دیگر از بند فوق نیز قابل استنباط است و آن اینکه مفعول اول و دوم افعال قلوب، در اصل، بندی اسمی متشکل از مبتدا و خبر محسوب می‌شوند؛ تقدیر جمله چنین است: «ترائی نهبا» که تحلیل آن در جدول ۲۲ آمده است:

جدول ۲۲. ساخت بند خبری مثبت فرازمانی

تراث		فاعل		وجه	ترائی نهبا: میراثم غارت شده است.
خبری	وجه‌نمایی	زمان‌داری	وجه		
مثبت	قطبیت			محمول	مانده
فرا زمانی	زمان				
	نهبا				
	---	متمم			
	---	افزوده			

نمونهٔ دیگری از این افعال در خطبهٔ شمشقیه در بند «وَأَلْفَيْتُمْ دُنْيَاكُمْ هَذِهِ أَرْهَادٌ عِنْدِي مِنْ عَقْطَةِ عَنزٍ» مشاهده می‌شود.

بند «يُخْضَمُونَ مَالَ اللَّهِ خِضْمَةَ الْأَيْلِ بِنْتِ الرَّبِيعِ» آخرین نمونه‌ای است که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بند، «خِضْمَةَ الْأَيْلِ»، به عنوان مفعول مطلق نوعی، به کار رفته است. از آنجایی که در دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، از میان انواع مفعول‌هایی که در

زبان عربی وجود دارد، صرفاً مفعول^۱ به به‌مثابه متمم تلقی می‌شود، اساساً این سؤال مطرح است که برای دیگر مفعول‌ها در عربی، به‌ویژه مفعول مطلق (بیانی، نوعی، عددی و تأکیدی) و مفعول^۲، چه نوع تحلیلی باید قائل شد؟ ناگفته پیداست که همیشه مفعول^۱ فیه در مقام ظرف و مفعول^۲ بعضاً (جز در مواردی که در حالت منصوبی استفاده شود) به‌عنوان گروه حرف‌اضافه و افزوده حاشیه‌ای ایفای نقش می‌کنند. با این توضیح، نگارندگان پژوهش حاضر، اذعان دارند که در حال حاضر، هیچ‌گونه تحلیل دقیقی، برای بررسی بند مزبور و دیگر انواع مفعول مطلق، مد نظر ندارند. در ادامه، بر اساس پیکره مورد‌بحث و تحلیل داده‌های مربوط، به بحث پیرامون مسائل عمده ساخت وجهی و شیوه تبادل معنا، پاسخ به سؤالات پژوهش و تأیید یا رد فرضیه‌ها خواهیم پرداخت.

۴-۱. نحوه نمود ساخت وجهی و شیوه تبادل معنا در بندهای خطبه شمشقیه

در اینجا، با توجه به تقسیم‌بندی کلی بند، به پاسخ سؤال اول پژوهش، یعنی نحوه نمود ساخت وجهی و شیوه تبادل معنا، بر اساس مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن، به‌ویژه وجه‌نمایی، فاعل، قطیبت و زمان‌داری می‌پردازیم.

۴-۱-۱. وجه‌نمایی

پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، مشخص شد که از نظر وجه‌نمایی، در مجموع ۱۰۸ بند کل خطبه، تعداد ۹۵ مورد بند خبری و تنها ۱۳ مورد بند انشایی وجود دارد؛ بسامد وجه خبری ۸۷/۹۶٪ و وجه انشایی ۱۲/۰۴٪ است. نکته جالب توجه اینجاست که در میان بندهای دارای وجه انشایی، هیچ‌گونه بند انشایی از نوع امر و نهی وجود ندارد و صرفاً با یک مورد بند استفهامی^۱ (با بسامد ۰/۹۲٪)، سه مورد بند ندایی (با بسامد ۲/۷۸٪)، یک مورد بند تعجبی (با بسامد ۰/۹۲٪)، و هشت مورد بند از نوع قسم (با بسامد ۷/۴۰٪) مواجهیم. همچنین، لازم به ذکر است که از میان همین تعداد محدود وجه انشایی، ۹ مورد آن (یعنی ۸ مورد قسم و یک مورد تعجب) نیز از نوع انشای غیرطلبی هستند و فقط ۴ مورد (۳ مورد ندا و یک مورد استفهام) از نوع طلبی‌اند. از لحاظ اصول بلاغی، انشای غیرطلبی اساساً انشا محسوب نمی‌شود و تنها به این دلیل ذیل مقوله وجه انشایی می‌گنجد که مفهوم خبر از آن استفهام نمی‌شود؛ یعنی احتمال صدق و کذب در آن وجود ندارد. از طرفی، نوعی قید زمان در آن

۱. در پژوهش حاضر، به تناسب دستوری عربی، وجه بندهای استفهامی از نوع انشایی طلبی منظور شده است.

مطرح است و در واقع، گوینده به وجود آمدن و انشای چیزی را به وسیله آن طلب نمی کند. در اینجا به اقتضای بحث، ذکر مقدمه‌ای کوتاه درباره خطبه و خطابه ضروری به نظر می رسد. در خصوص خطابه، که ذیل فنون نثری قرار می گیرد، گفته اند که خطابه نوعی هنر گفتاری است که به قصد اقناع و تأثیر بر مخاطب ایراد می شود (المعوش، ۲۰۱۱: ۲۶۵). قدامه بن جعفر (۱۹۹۵: ۸۲) ریشه این واژه را برگرفته از کلمه «خطب» به معنای امری بزرگ و درخور توجه می داند، زیرا در خطبه‌ها به اموری پرداخته می شود که درخور توجه اند. همچنین خود کلمه «خطبه» مصدر مره به حساب می آید؛ به معنای سخنی که یک بار ایراد می شود. شرط خطبه آن است که به صورت شفاهی ایراد شود، زیرا در این صورت، تأثیرش بر ذهن‌ها و اندیشه‌ها قوی تر است. از این روست که می گویند خطبه فن گفتگوی شفاهی با گروهی به قصد اقناع و استماله آنهاست. المعوش (۲۰۱۱: ۲۶۶) مهم ترین هدف ایراد خطبه را استماله می داند. از این سخن می توان چنین برداشت کرد که در ایراد خطبه، گوینده درصدد این است که بتواند میل و اندیشه شنونده را به سمت خود سوق دهد و با خود همراه سازد. این کار، بیشتر، با ابزار و لوازمی انجام می پذیرد که جنبه انشایی، از نوع طلبی، به ویژه امر و نهی دارند، نه خبری (برای دیدن شاهد مثال بر این مدعا، ر.ک. المعوش، ۲۰۱۱: ۲۷۲-۲۷۱)؛ همان ابزاری که در این خطبه، حضرت به هیچ عنوان از آن در جهت استماله مخاطب بهره نگرفته اند. به علاوه، با بررسی سبک و سیاق فن خطبه‌های منقول از صدر اسلام، کاملاً مشهود است که در این خطبه‌ها، صبغه انشایی و انواع اصلی آن مثل امر، نهی، و استفهام بیشتر نمود داشته است (ر.ک. ابوزید، ۲۰۱۱: ۱۶۲-۱۵۶)، حال آنکه در خطبه ششقیه، تنها یک مورد طلب اصلی، آن هم از نوع استفهام وجود دارد که در واقع، همین بند نیز از نظر معنا، خبری محسوب می شود. وجه خبری برای بیان خبر یا دادن اطلاعات به کار می رود و بسامد بالای آن نشان دهنده ارتباط نزدیک گوینده با رخدادهاست (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۷). امام (ع) در خطبه ششقیه از چنین کارکردی به خوبی برای ایجاد تعامل بهره برده است، به نحوی که علاوه بر اطلاع رسانی و ایجاد ارتباط نزدیک بین خود و مخاطب، خواننده را منتظر و مشتاق مطالب بعدی خطبه نیز می کند؛ اشتیاق ابن عباس در توضیح پایانی خطبه مزبور نیز تأییدی بر این ادعاست. از جمله نکات بسیار مهم درباره بسامد غالب وجه خبری در خطبه ششقیه، این است که یک امام معصوم و ولی خدا، همراه با بردباری و رعایت تمام جوانب انصاف و به دور از هرگونه

عجز و ناله، به گروهی می‌نگرد که ایشان به دنبال احقاق حق خود از آنهاست. تردیدی نیست که علی‌رغم کارکرد عمده و وجه انشایی که بیشتر در قالب امر، نهی و ندا، به دنبال طلب از مخاطب است، استفاده از این وجه در خطبه مزبور، برای احقاق حق و نشان‌دادن چنین نگاهی، به نوعی تعارض و چالش با مخاطب منجر می‌شده است.

۴-۱-۲. فاعل

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، در فرانش بینافردی و ساخت وجهی، فاعل نقشی بسیار کلیدی ایفا می‌کند؛ فاعل مسئولیت اعتبار بند را بر عهده دارد. به عبارت دیگر، فاعل عنصری از بند در ساخت وجهی قلمداد می‌شود که اعتبار بند بر آن استوار است. پس از بررسی تمام بندهای خطبه شفشقیه، مشخص شد که فقط اعتبار ۱۷ بند از کل ۱۰۸ بند به گوینده خطبه، یعنی امام (ع)، برمی‌گردد و فاعل دیگر بندها عبارت است از: خلفا، قاسطین، مارقین، ناکثین، و مواردی از فاعل‌های مختلف که امام (ع) برای فهم بیشتر موضوع از سوی مخاطب، به صورت مجازی، در حالت تمثیل، تشبیه و نماد مورد استفاده قرار داده است. برای نمونه، می‌توان به موارد خط کشیده‌شده در بندهای زیر اشاره کرد:

ينحدر عني السيل / ولا يرقى اِلى الطير / يغلظُ كلامها / و يعشنُ مسها / و يكثر العثارُ فيها /
شفشقه هدرت ثم قرّت

بی‌تردید، استفاده از عنوان نمادین «شفشقیه» برای خطبه مزبور نیز بی‌ارتباط به نوع استفاده از این فاعل‌ها نیست. با توجه به اینکه کل خطبه مشتمل بر ۱۰۸ بند است و فقط ۱۷ مورد از این بندها به گوینده خطبه برمی‌گردد، اساساً مسئولیت اعتبار دیگر بندها به چه نحوی قابل تحلیل و تبیین است؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که از میان این ۱۰۸ وجه، غالب آنها، یعنی ۹۵ بند، وجه خبری دارند و هدف عمده و وجه خبری، که در آن، طبق تعریف، احتمال صدق و کذب وجود دارد، ارائه اطلاعات است؛ بنابراین، مسئولیت صدق و کذب این نوع بندها ارتباطی به گوینده اصلی خطبه یا کلام ندارد و مسئولیت اعتبار بندها متوجه فاعل خود این بندهاست. از طرفی، چون خطبه عمدتاً در جهت احقاق حق امام (ع) ایراد شده، بسیار طبیعی است که ایشان مسئولیت سلب این حق را، با آوردن بندهایی با فاعل‌هایی متفاوت با گوینده خطبه، به خود آنها محول کنند. دو نکته بسیار پراهمیت در اینجا

قابل ذکر است: اول اینکه امام ایرادکننده خطبه بوده‌اند، ولی در مقام انشا و امر و نهی و ترغیب و استماله مخاطب هم برنیامده‌اند. دلیل چنین ادعایی را می‌توان در این شاهد دنبال کرد که در این ۱۷ بند نیز فقط با دو مورد فاعل در بندهایی با وجه انشایی سروکار داریم که آن هم از نوع قسم است و اساساً غیرطلبی محسوب می‌شود. نکته دوم مربوط می‌شود به میزان تعهد گوینده به اعتبار چیزی که گفته است. این اعتبار، بسته به نوع وجه و افعال وجهی که گوینده به کار می‌گیرد، و همچنین میزان دخالت و درگیری گوینده (به طور مستقیم یا غیرمستقیم) در گزاره موردنظر، می‌تواند درجات مختلفی به خود بگیرد (Thompson, 1996: 62, 46). در خطبه شقشقیه، در بندهایی که امام (ع) فاعل بوده‌اند، به دلیل استفاده از وجه خبری و نقش و دخالت مستقیم امام در گزاره‌های ایرادشده و همچنین قطبیت مثبت غالب بندها، بیشترین درجه تعهد قابل ملاحظه است.

۴-۱-۳. قطبیت

در کل ۱۰۸ بند خطبه، ۱۰۱ بند با قطبیت مثبت و فقط ۷ بند با قطبیت منفی وجود دارد؛ یعنی بسامد قطبیت بدین ترتیب است: ۹۳/۵۲٪ مثبت و ۱۰/۵۲٪ منفی. عناصر وجهی منفی ساز عبارت‌اند از: ۳ مورد «لا» نفی، ۲ مورد «ما» نفی، «لم» و «لولا» نیز هر کدام یک مورد. نکته جالب توجه در مورد بندهای منفی این است که هیچ یک از این بندها انشایی نیستند و همه این بندها، باز هم به دلیل قاطعیت کلام امام و همچنین باور ایشان به حقانیت خود، در قالب وجه خبری آمده است. به بیان دیگر، امام (ع) نه تنها در قالب وجه امری از مخاطب چیزی درخواست نکرده است، بلکه حتی مخاطب را در قالب انشا نیز از چیزی نهی نکرده است.

۴-۱-۴. زمان داری

از نقطه نظر زمان، در مجموع کل پیکره، ۳۰/۵۵٪ بندها به زمان حال، ۵۰/۹۲٪ بندها به زمان گذشته و ۱۸/۵۱٪ بندها به فرازمان تعلق دارند. درصد توزیع تقریباً متوازن زمان گذشته و زمان حال حاکی از این است که امام (ع)، برای تبادل اطلاعات، ضمن نظر داشتن به سیر تاریخی گذشته و تحلیل مسائل مربوط به آن، با قراردادن مخاطب در زمان حال، زمینه را برای درک بیشتر فضای حاکم بر جامعه آن روز فراهم می‌سازند. ذکر نکته قابل اهمیتی درباره زمان حال در اینجا ضروری به نظر می‌رسد. مضمون و منطوق زمان حال، در زبان عربی، بیشتر ناظر به آینده است و از این حیث، به بندهای انشایی شباهت دارد که منطوق

آنها در زمان طلب به وقوع نپیوسته، بلکه در زمان آینده رخ خواهد داد. از این روی، می‌توان چنین نتیجه گرفت که امام (ع)، با تأکید بر زمان حال به صورت ضمنی، به مخاطبان گوشزد می‌کند که در آینده، در موارد مشابه، باید تصمیمات عاقلانه‌تر و سنجیده‌تری اتخاذ کنند. به علاوه، ایشان با استفاده از زمان گذشته، به طور ضمنی، مخاطبان را به خاطر اتخاذ تصمیمی نادرست، به باد انتقاد و سرزنش گرفته و در مورد ایشان حکمی قطعی صادر کرده است. همچنین، دربارهٔ بندهای فرازمانی نیز می‌توان گفت از آنجایی که این بندها به زمان مشخصی دلالت ندارند و اغلب بر سر آنها ادات قطعیت و یقین، مثل «إِنَّ»، «أَنَّ»، «إِنَّمَا»، «قَدْ» و «لَقَدْ» و بندهای اسمی آمده است، در حقیقت، به مثابهٔ یک دکتترین و قاعدهٔ پذیرفته‌شده، می‌توانند در مناسبات سیاسی و اجتماعی مورد استناد قرار گیرند و بر مبنای آنها، تصمیم‌سازی برای ادارهٔ بهتر جامعه صورت گیرد. مشهود است که در خطبهٔ شقشقیه، بسته به موقعیت خاص و به اقتضای هدف امام (ع) از ایراد این خطبه، از تمام امکانات ساخت و جهی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهندهٔ بند، به طور متوازن، جهت تبادل معنا بهره گرفته شده است. این مطلب به این معناست که فرضیهٔ پژوهش، در پاسخ به سؤال اول، مورد تأیید قرار می‌گیرد.

۴-۲. نقش‌های گفتاری

قبل از پاسخ به سؤال دوم پژوهش، ابتدا توضیحاتی دربارهٔ نقش‌های گفتاری و کنش گفتاری مستقیم و غیرمستقیم ارائه خواهیم کرد. همان‌طور که در مبنای نظری پژوهش اشاره شد، در هر بندی، گوینده و مخاطب، در مقام تبادل و تعامل، نقش خاصی را ایفا می‌کنند که می‌تواند در قالب یکی از روش‌های زیر صورت پذیرد (Halliday & Matthiesson, 2014: 135-136):

۱. درخواست اطلاعات در قالب پرسش.
۲. ارائهٔ اطلاعات در قالب خبر.
۳. ارائهٔ خدمات در قالب پیشنهاد.
۴. درخواست خدمات و کالا در قالب امر.

تجلی هر یک از این نقش‌های اصلی در زبان با یکدیگر متفاوت است؛ اما نکتهٔ حائز اهمیت دیگر این است که صورت‌های زبانی همیشه با نقش‌های زبانی رابطهٔ مستقیم ندارند. هرگاه بین ساختار یا صورت جمله و نقش یا کارکرد آن رابطه‌ای مستقیم وجود داشته باشد، آن را کنش گفتاری مستقیم می‌گویند و هرگاه ارتباط بین ساختار و نقش آن غیرمستقیم باشد، آن

را کنش گفتاری غیرمستقیم می‌نامند (یول، ۱۳۸۹: ۷۶)؛ بنابراین، برای مثال، بند خبری اگر برای بیان یا توصیف به کار رود، کنش گفتاری مستقیم است، ولی اگر به‌عنوان درخواست یا امر به کار رود، کنش گفتاری غیرمستقیم خواهد بود؛ اگر بند امری برای ایجاد استفهام یا امر به کار رود، کنش گفتاری مستقیم و اگر برای بیان و توصیف واقعیت به کار رود، کنش گفتاری غیرمستقیم خواهد بود (بازوبندی، ۱۳۹۵: ۱۹۴).

در همین راستا، سیرل^۱ (۱۹۶۹) بین معنای موردنظر گوینده و معنای جمله تمایز قائل می‌شود. یعنی در یک کنش گفتاری غیرمستقیم، منظور گوینده همان نیست که می‌گوید؛ بلکه آن است که در ذهن دارد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۱-۳۰). با این توضیح، به پاسخ سؤال دوم درباره انواع نقش‌های گفتاری به‌کاررفته در خطبه شقشقیه می‌پردازیم. پس از تحلیل بندهای پیکره و همچنین از پاسخ سؤال نخست پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت که امام (ع) نه تنها از تمام نقش‌های گفتاری دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی در تبادل معنا بهره می‌برد، بلکه سازوکار کنش‌های گفتاری غیرمستقیم نیز در این خطبه به کار گرفته شده است. توضیح اینکه از حیث کنش گفتاری مستقیم، امام در این خطبه، عمدتاً در قالب خبر، به ارائه اطلاعات پرداخته است؛ از میان بندهای دارای وجه خبری، هیچ‌گونه ارائه خدماتی در قالب پیشنهاد، به‌طور صریح، صورت نپذیرفته است. به‌علاوه، نکته جالب توجه درباره نقش‌های گفتاری این است که هیچ‌گونه کنش مستقیمی از سوی امام (ع) در این خطبه مشاهده نمی‌شود که به درخواست اطلاعات در قالب پرسش و درخواست خدمات و کالا در قالب امر اختصاص داشته باشد؛ از میان ۱۳ بند دارای وجه انشایی، فقط سه مورد از آنها در مقام کنش گفتاری مستقیم به کار رفته‌اند که این موارد نیز طلبی از نوع ندا هستند. لازم به ذکر است که امام در این سه نوع بند طلبی نیز هیچ‌گونه اطلاعات، خدمات یا کالایی از مخاطب درخواست نکرده، بلکه فقط به مخاطب، جهت اقبال به خطبه، ندا داده است. ۱۰ بند دیگر انشایی، همگی از نوع غیرطلبی هستند و در قالب کنش غیرمستقیم، نقش گفتاری بند را شکل داده‌اند و در مقام استفهام، تعجب، و قسم، به ارائه اطلاعات پرداخته‌اند. برای مثال، امام در قالب بند سؤالی «متی إعترض الريب في مع الأول منهم»، به ارائه خبر و اطلاعات می‌پردازد، زیرا این بند از نوع استفهام انکاری است و در مقام نفی قرار دارد. نمونه قابل ذکر دیگر، بندهای قسم «والذي فلق الحبة و برأ السممة» است که امام (ع) بلافاصله بعد از این

1. Searle, J. R.

بندها، با استفاده از بندهای خبری «لولا حضور الحاضر و قیام الحجّة بوجود الناصر و ما أخذ الله علی العلماء ألاّ یقاروا علی کظّة ظالم و...»، ارتباط آنها را از حیث اهمیت خبر مورد تأکید قرار می‌دهد و به ارائه اطلاعات می‌پردازد. بنابراین، همان‌طور که بازوبندی (۱۳۹۵: ۱۹۴) نیز اشاره می‌کند، اگرچه نظریه نقش‌گرای نظام‌مند راه را برای این‌گونه کاربردهای غیرمستقیم نمی‌بندد، ولی این بُعد از نقش‌های گفتاری را مسکوت گذاشته و مورد تأکید قرار نداده است؛ از توضیحات فوق و همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها، فرضیه پژوهش در پاسخ به پرسش دوم نیز قابل تأیید است.

۳-۴. قابلیت تعمیم دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی (۲۰۱۴) و چالش‌های

پیش روی این نظریه

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش، همان‌طور که در توضیحات بخش‌های قبلی مشاهده شد، اساساً این رویکرد برای بازنمایی ساخت و جهی و تبادل معنا، کارکرد نسبتاً قابل قبولی دارد. به بیان دیگر، این مدل نظری، با استفاده از مؤلفه‌های اصلی تشکیل‌دهنده بند، به ویژه فاعل و وجه (زمان‌داری، وجه‌نمایی و قطبیت)، ضمن ایجاد متنی منسجم، به هدف عمده‌گوینده متن، یعنی باور قطعی به حقانیت نسبت به خلافت نیز صحنه می‌گذارد. این سخن به آن معناست که روی هم‌رفته، استفاده غالب از وجه خبری، در کنار قطبیت مثبت و همچنین زمان حال و فرازمان، علی‌الظاهر شاید تنها و تنها یک هدف عمده و واحد را دنبال می‌کند و آن هم اثبات بی‌چون و چرای حقانیت علی (ع) به عنوان امام معصوم و خلیفه الهی است. از این روی، می‌توان گفت که قابلیت تعمیم و توان نظری رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند، از منظر فرانش بینافرادی، برای بازنمایی ساخت و جهی و شیوه تبادل معنا در خطبه مزبور، تا حد زیادی قابل اعتناست. با این حال، تجزیه و تحلیل داده‌ها همچنین از وجود برخی چالش‌ها و نقص‌ها، به دلیل اختلاف ساختاری دو زبان عربی و انگلیسی، حکایت دارد. از آنجایی که مدل نظری مزبور اساساً انگلیسی‌محور است، طبیعتاً انتظار می‌رفت که در کاربست آن در زبان عربی با چالش‌هایی نیز روبه‌رو شویم. در ابتدای بخش چهارم، به‌طور مفصل، به این چالش‌ها پرداختیم و در اینجا، صرفاً به‌طور مختصر، به مهم‌ترین چالش‌ها در کاربست این مدل نظری در متن خطبه شمشقیه اشاره می‌کنیم. یکی از چالش‌های اصلی خلأ یک تحلیل

جامع و منسجم برای عبارت‌هایی است که دارای عناصر محذوف یا مقدر هستند؛ از جمله این عناصر می‌توان به ادات شروع یا تنبیه، قسم، تعجب، ندبه و استغاثه اشاره کرد. چالش دیگر مربوط به عناصری است که ممکن است بر اساس تحلیل نقش‌گرای هلیدی، به عنوان افزوده تلقی شوند، در حالی که متمم هستند؛ در دستور نقش‌گرای نظام‌مند، عمدتاً حروف اضافه نماینده افزوده هستند، در حالی که در موارد متعددی در زبان عربی، نمی‌توان چنین برداشتی را قابل قبول دانست. برای نمونه، برخی از افعال در زبان عربی، به واسطه حروف اضافه، متمم می‌گیرند و این عناصر افزوده محسوب نمی‌شوند. علاوه بر این، مواردی نیز در بندهای اسمی وجود دارد که در آنها نیز حرف اضافه نمایانگر افزوده حاشیه‌ای نیست، بلکه فقط به عنوان ادات تشبیه، جهت ایجاد همانندی و مشابهت بین خبر با مبتدا، به کار گرفته می‌شود. این شواهد دلیلی هستند بر اینکه نمی‌توان همیشه حرف اضافه را نماینده افزوده حاشیه‌ای قلمداد کرد. عکس این مطلب نیز در بررسی داده‌های پیکره حاضر مشهود است؛ مواردی وجود دارد که در آنها، عناصر زبان عربی، علی‌رغم داشتن علامت منصوب (مفعولی)، به عنوان افزوده قلمداد می‌شوند، نه متمم. برای مثال، می‌توان به نحوه تحلیل عناصری همچون حال یا قید حالت اشاره کرد. چالش دیگری که طبق داده‌ها قابل طرح است نحوه تحلیل مفعول‌هایی غیر از مفعول به در دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی است. به عبارت دیگر، چون طبق دستور نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی، در عربی فقط مفعول به به مثابه متمم تلقی می‌شود، برای دیگر مفعول‌ها در عربی، به‌ویژه مفعول مطلق (بیانی، نوعی، عددی و تأکیدی) و در برخی موارد مفعول له، هیچ‌گونه تحلیل دقیقی در چهارچوب این نظریه ارائه نشده است. از توضیحات فوق، فرضیه سوم پژوهش نیز مورد تأیید قرار گرفت: مبنای نظری پژوهش، در عین وجود برخی نقایص، توان قابل‌اعتنایی دارد.

۵. نتیجه‌گیری

پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها، ضمن تأیید هر سه فرضیه پژوهش، نتایج ذیل قابل بیان است: از نظر وجه‌نمایی، به‌طور کلی، بسامد غالب وجه خبری (۸۷/۹۶٪) در مقابل وجه انشایی (۱۲/۰۴٪) نشان‌دهنده ارتباط نزدیک‌گوینده با رخدادهاست. امام (ع)، در خطبه شقشقیه، از کارکرد عمده وجه خبری، یعنی ارائه اطلاعات، به‌خوبی برای ایجاد تعامل بهره برده

است، به نحوی که علاوه بر اطلاع‌رسانی و ایجاد ارتباط نزدیک بین خود و مخاطب، خواننده را منتظر و مشتاق مطالب بعدی خطبه نیز می‌کند.

انگیزه و هدف امیرالمؤمنین (ع) از خطبه شقشقیه عمدتاً احقاق و اثبات حق بوده است. امام، در این خطبه، از لوازم انشا در جهت اقناع و استماله مخاطب بهره نمی‌برد، چراکه چنان از گفته خود یقین دارد که با قاطعیت هرچه تمام‌تر، لوازم وجه خبری را برای نشان دادن این حقانیت و اثبات حق به خدمت گرفته است. به بیان دیگر، امام (ع) آن چنان به حقانیت خود و جایگاه خود نسبت به خلافت (که خودش از آن به قطب وسط آسیاب تعبیر می‌کند) یقین و باور داشته است که از آن صرفاً خبر داده و اصلاً نیازی به استفاده از عبارات انشایی، جهت اثبات چنین حقی، احساس نکرده است.

بررسی این خطبه، بر اساس تحلیل ساخت وجهی، نشان می‌دهد که اساساً در میان بندهای دارای وجه انشایی، هیچ‌گونه بند انشایی از نوع امر و نهی نیز وجود ندارد و صرفاً با یک مورد بند استفهامی (با بسامد ۰/۹۲٪)، سه مورد بند ندایی (با بسامد ۲/۷۸٪)، یک مورد بند تعجبی (با بسامد ۰/۹۲٪)، و هشت مورد بند از نوع قسم (با بسامد ۷/۴۰٪) مواجهیم. همچنین، لازم به ذکر است که از میان همین تعداد محدود وجه انشایی، ۹ مورد از نوع انشای غیرطلبی (۸ مورد قسم و یک مورد تعجب) و فقط ۴ مورد از نوع طلبی (۳ مورد ندا و یک مورد استفهام) هستند. این مطلب، خود، گویای آن است که استفاده مکرر از وجه خبری کاملاً آگاهانه و همراه با مصلحتی آشکار بوده است. نکته کلی که در مورد وجه انشایی غالباً مطرح می‌شود، به خدمت گرفتن لحن صریح و محکم جهت تأثیرگذاری و ترغیب هرچه بیشتر مخاطب است. امام با بهره‌گیری از وجه خبری، همراه با لحن صریح و محکم، همان کارکرد وجه انشایی را به خدمت گرفته است و این از نکات بسیار نغزی است که ملاحظات زبان‌شناختی ویژه‌ای را می‌طلبد و می‌تواند در مناسبات ملی، بین‌المللی و همچنین تعاملات سیاسی-اجتماعی مدیران و مسئولان کلان جامعه نیز رهگشا و کارساز باشد. با توجه به این توضیحات و عدم توزیع نامتناسب میان وجوه خبری و انشایی، انتظار این است که خطبه همراه با نوعی یکنواختی و یک‌سویگی پیش رود، در حالی که در سراسر این خطبه، امام به نحوی در تبادل و انتقال معنا عمل کرده است که گویی هر دو سوی تعامل با هم در ساخت متن شرکت دارند و از این طریق، راه هرگونه یک‌سویگی تعامل را بسته است.

در کل ۱۰۸ بند خطبه، فقط فاعل ۱۷ مورد از این بندها به گوینده خطبه برمی گردد. دلیل چنین امری با توجه به هدف از ایراد خطبه در جهت احقاق حق امام (ع)، این است که ایشان مسئولیت سلب این حق را با آوردن بندهایی با فاعلهایی متفاوت با گوینده خطبه، به خود آنها محول می کنند. به علاوه، باز هم به دلیل باور به حقانیت خود نسبت به خلافت، در این ۱۷ بند نیز، فقط ۲ مورد در میان فاعل بندهای با وجه انشایی است که آنها هم از نوع قسم و اساساً غیرطلبی محسوب می شوند. توضیح مطلب اینکه اگرچه امام ایرادکننده خطبه بوده اند، ولی به عنوان متکلم وحده، در مقام انشا و امر و نهی و ترغیب و استماله مخاطب هم برنیامده اند.

بندهای با قطبیت مثبت (۹۳٪/۵۲) در مقابل قطبیت منفی (۱۰٪/۵۲) بسامد غالب دارند و همه این بندها (تمام بندهای مثبت و منفی) در قالب وجه خبری به کار رفته اند؛ این نکته نشان می دهد که امام (ع) نه تنها در قالب وجه امری از مخاطب چیزی درخواست نکرده است، بلکه مخاطب را در قالب انشا نیز از چیزی نهی نکرده است.

از نقطه نظر زمان، در صد توزیع زمان حال (۳۰٪/۵۵) نسبت به زمان گذشته (۵۰٪/۹۲) حاکی از این است که امام (ع)، برای تبادل اطلاعات، ضمن نظر داشتن به سیر تاریخی گذشته و تحلیل مسائل مربوط به آن، با قراردادن مخاطب در زمان حال، زمینه را برای درک بیشتر فضای حاکم بر جامعه آن روز فراهم می سازند.

در خطبه شقشقیه، امام (ع) جهت تبادل معنا، ضمن استفاده حداکثری از نقش های گفتاری در قالب کنش های گفتاری مستقیم، بعضاً از سازوکار کنش های گفتاری غیرمستقیم نیز بهره گرفته است. از حیث کنش گفتاری مستقیم، در این خطبه، ایشان عمدتاً در قالب خبر به ارائه اطلاعات پرداخته است؛ از میان بندهای دارای وجه خبری، هیچ گونه ارائه خدماتی در قالب پیشنهاد به طور صریح صورت پذیرفته است. به علاوه، هیچ گونه کنش مستقیمی برای درخواست اطلاعات در قالب پرسش و درخواست خدمات و کالا در قالب امر نیز از سوی امام (ع) در این خطبه مشاهده نمی شود؛ از میان ۱۳ بند دارای وجه انشایی، فقط سه مورد از آنها در مقام کنش گفتاری مستقیم به کار رفته اند که این موارد نیز طلبی از نوع ندا هستند. امام در این سه نوع بند طلبی نیز هیچ گونه اطلاعات، خدمات یا کالایی از مخاطب درخواست نکرده، بلکه فقط به مخاطب، جهت اقبال به خطبه، ندا داده است. ۱۰ بند دیگر انشایی، همگی از نوع غیرطلبی اند که در قالب کنش غیرمستقیم،

نقش گفتاری بند را شکل داده‌اند و در مقام استفهام، تعجب، و قسم، به ارائه اطلاعات پرداخته‌اند.

به دلیل اختلاف ساختاری دو زبان عربی و انگلیسی، و از آنجایی که مدل نظری مورد استفاده در این پژوهش اساساً انگلیسی محور است، حین تجزیه و تحلیل داده‌ها، با چالش‌هایی روبه‌رو شدیم که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف) نحوه تحلیل بندهای دارای عناصر محذوف یا مقدر.

ب) تشخیص متمم و افزوده از یکدیگر، به دلیل وجود حرف اضافه یا ادات تشبیه یا عناصر دارای حالت منصوب (مفعولی)، مانند حال یا قید حالت.

ج) نحوه تحلیل مفعول مطلق (بیانی، نوعی، عددی و تأکیدی) و در برخی موارد مفعول‌گه.

در دستور نقش‌گرای نظام‌مند هیلیدی، هیچ‌گونه تحلیل دقیقی برای بررسی موارد فوق ارائه نشده است. بررسی جامع این مسئله، به همراه دیگر موارد چالشی که در بالا به آن اشاره شد، می‌تواند راه را برای کاربرست دقیق‌تر نظریه انگلیسی محور نقش‌گرای نظام‌مند و همچنین رفع نواقص و بومی‌سازی این نظریه بسیار پر کاربرد در زبان عربی و متون دینی، فراهم سازد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Reza Mohammadi  <http://orcid.org/0000-0002-7398-5072>

Hossein Bazoubandi  <http://orcid.org/0000-0001-8317-7677>

منابع

ابن جعفر البغدادی، قدامه. (۱۹۹۵). *نقد النثر (أو كتاب البيان)*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابوزید، سامی یوسف. (۲۰۱۱). *الأدب العباسی: النثر. الطبعة الاولى*، عمان: دارالمسیره للنشر والتوزیع و الطباعة.

آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: علمی و فرهنگی.

- باتمانی، هوشنگ (۱۳۸۹). تحلیل سوره یاسین بر اساس نظریه سیستمی نقشی هلیدی، پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، کرمانشاه.
- بازبندی، حسین (۱۳۹۵). بررسی شیوه تبادل معنا در قرآن کریم از منظر فراتقش بینافردی. رساله منتشر نشده دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- حری، ابوالفضل (۱۳۸۸). «کارکرد تصریف در دو سوره قرآنی ناظر به داستان آفرینش در پرتو فراکارکرد متنی هلیدی»، پژوهش‌های زبان‌های خارجی، ۵۵، ۱۱۶-۱۰۱.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۳). زبان‌شناسی نظری، ویراست دوم، تهران: انتشارات سمت.
- صباغ، سید مرتضی (۱۳۹۵). الجمل الانشاییه الطلیبه فی خطب نهج البلاغه، رساله منتشر نشده دکتری، دانشگاه خوارزمی، تهران.
- عبدی‌یاش، سمیرا (۱۳۹۱). الدنیا فی خطب نهج البلاغه درسه فی تحلیل الخطاب، پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
- عرب زوزنی، محمدعلی، پهلوان‌نژاد، محمدرضا و سیدی، سید حسین. (۱۳۹۵). بررسی ساختار وجهی خطبه جهاد نهج البلاغه بر اساس فراتقش بینافردی نظریه نقش‌گرا، زبان پژوهی، ۸(۲۱)، ۷۹-۱۱۴.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۰). سبک‌شناسی؛ نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: نشر سخن.
- محمدرضایی، علی‌رضا و حسینی، راضیه سادات. (۱۴۳۶ق.). بین‌الجزجانی و هلیدی فی التأخیر و البینه النصیه، مجله اللغه العربیه و آدابها، ۱۱(۳)، ۵۳۳-۵۵۳.
- المعوش، سالم (۲۰۱۱)، الادب العربی الحدیث، الطبعة الثانية، بیروت: دارالنهضة العربیه.
- نادری، فرهاد و نادری، سمیه (۱۳۹۶). خوانش ساختار اندیشگانی و بینافردی اشعار فاروق جویده بر اساس رویکرد نقش‌گرای هلیدی؛ مطالعه موردی پژوهانه: ده قصیده، نقد ادب معاصر عربی، ۷(۱۵)، ۲۵-۵۴.
- نظری، علیرضا (۱۳۸۹). کارکرد عوامل انسجام متنی در خطبه‌های نهج البلاغه بر اساس الگوی نقش‌گرای هلیدی، رساله منتشر نشده دکتری، دانشگاه تربیت‌مدرس، تهران.
- یول، جورج. (۱۳۸۹). کاربردشناسی زبان. ترجمه محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر. تهران: سمت.

References

- Haitami, U & Meisuri, M. (2012). The Use Of Process IN JUZ AMMA Of Holy Quran. *Linguistica*, 1(2), 1-10.
- Halliday, M. A. K., & Matthiesson C. M. I. M. (2004). *An Introduction to Functional Grammar*, 3rd ed. London: Oxford.

- Halliday, M. A. K., & Matthiesson C. M. I. M. (2014). *Halliday's Introduction to Functional Grammar*, 4th ed., Routledge.
- Karyawan, N. (2011). *Systemic Functional Grammar: Analysis on Themes in Holy Quran Translation Text of Yusuf Chapter Written by Abdullah Yusuf Ali*. (Unpublished MA thesis), University of Yogyakarta.
- Searle, J. R. (1969). *Speech Acts: an Essay in the Philosophy of Language*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Thompson, G. (1996). *Introducing Functional Grammar*. London: Arnold.
- Abdiyash, S. (2012). *Al-Dunya (the world) in the Sermons of Nahj al-Balaghah: A study in discourse Analysis*, (Unpublished Master Thesis), Al-Zahra University, Tehran, Iran. [In Arabic].
- Abu Zayd, S. Y. (2011). *Abbasi Literature: Prose. Dar Al-Masira for Publishing, Distribution and Printing*, First Printing: Oman, [In Arabic].
- Aghagolzadeh, F. (2006). *Critical discourse analysis*. Tehran: Elmi va Farhangi publication. [In Persian].
- Arab Zouzani, M. A, Pahlavannezhad, M., & Hoseini, H. (2017). An investigation on the Mood Structure of Jihad Sermon in Nahj-al-balagheh Based on the Interpersonal Metafunction of functional Theory, *Language research*, 8(21), 79-114. [In Persian].
- Batmani, H. (1389). *The Analysis of Surah Yasin based on Halliday's systemic-functional theory*, (Unpublished master's thesis), Razi University, Kermanshah, Iran. [In Persian].
- Bazoubandi, H. (2015). *Investigating the method of meaning exchange in the Holy Quran from the perspective of interpersonal metafunction*. (Unpublished PhD dissertation), Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. [In Persian].
- Dabir Moghaddam, M. (2004). *Theoretical linguistics: the emergence and evolution of the generative grammar*, Tehran: SAMT. [In Persian].
- Fotouhi Rudmajani, M. (2011). *Stylistics: Theories, approaches and methods*, Tehran: Sohkan. [In Persian].
- Horri, A. (2010). Tasrif in the Quranic Story of Creation in the Light of Halliday's Textual Meta-function, *Research in Contemporary World Literature*, 14(55), 101-116. [In Persian].
- Ibn Ja'far al-Baghdadi, Q. (1995). *Critique of prose (or book of Al-Bayan)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Elmiya. [In Arabic].
- Maoush, S. (2011). *Arabic Literature Hadith*, 2nd ed., Beirut: Dar Al-Nahda Al-Arabiya. [In Arabic].
- Mohammad Rezaei, A., & Hosseini, R. S. (2014). Between Al-Jorjani and Halliday in the delay and the construction of the text, *Journal of Arabic Language and Etiquette*, 11(3), 553-533. [In Arabic].
- Naderi, F & Naderi S. (2018). Ideational and interpersonal structure in a collection of poems by Farouk Jweideh based on the functional approach of Halliday (A case study of Ten Odes), *Journal of The Journal of New Critical Arabic Literature*, 7(13), 25-54. [In Persian].
- Nazari, A. (2010). *The Function of Textual Cohesion Factors in Nahj al-Balaghah Sermons Based on Halliday's Functional Model* (Unpublished PhD Thesis), Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. [In Persian].

- Sabbagh, S. M. (2015). *Enshaye Talabi Sentences in the Sermons of Nahj al-Balaghah*, (Unpublished PhD dissertation), Kharazmi University, Tehran, Iran. [In Arabic].
- Yule, G. (2014 [2010]). *Pragmatics*. Translated by Mohammad Amuzadeh Mahdirji and Manouchehr Tavangar. Tehran: SAMT. [In Persian].

استناد به این مقاله: محمدی، رضا، بازوبندی، حسین. (۱۴۰۰). بررسی شیوه تبادل معنا در خطبه شقشقیه نهج البلاغه
برمبنای رویکرد نقش‌گرای نظام‌مند هلیدی (۲۰۱۴). *علم زبان*، ۸ (۱۳)، ۱۱۵ - ۱۴۹. Doi:
10.22054/Is.2019.38440.1171



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.